

پیش از برگزاری انتخابات، سه موضوع روی فضای انتخابات تأثیر داشت. اول اینکه، مجلس چهارم با دولت اکبر هاشمی‌رفسنجانی مشکلاتی را پیدا کرد که در نتیجه این مشکلات، فاصله دولت با مجلس آرام‌آرام زیاد شد. دومین موضوع بنیان‌گذاری حزب جدیدی پیرامون دولت با نام «کارگزاران» بود و سومین موضوع که البته تکرار روند مجلس چهارم به حساب می‌آمد، ردصلاحیت‌های گسترده توسط شورای نگهبان بود که در این میان، مهم‌ترین نکته را می‌توان آغاز فعالیت کارگزاران سازندگی دانست. به هر ترتیب، کشور

مجلس پنجم

در حالی آماده فضای انتخاباتی می‌شد که در جناح چپ، مجمع روحانیون مبارز پس از دو دوره اعلام کرد در این دوره از انتخابات لیست نخواهد داد (البته برخی اعضای مجمع مانند مجید انصاری و سیدمحمود دعایی به‌صورت فردی در انتخابات ثبت‌نام کردند و از طریق لیست کارگزاران سازندگی به مجلس رسیدند).

اما درباره لیست‌های منتشرشده در جناح چپ شکل‌گرفته از فضای راست آن دوران، کارگزاران سازندگی با سرلیستی عبدالله نوری، لیستی را منتشر کرد که از آن لیست، یک نفر در دور اول

مجلس ششم

پیش از برگزاری انتخابات مجلس ششم، دو موضوع مهم در کشور باعث شد تا زمینه برای انتخاباتی متفاوت‌تر از دوره‌های گذشته فراهم شود. در درجه اول دوم خرداد ۱۳۷۶ پدیده آمد، سیدمحمد خاتمی به پیروزی رسید تا دوران اصلاحات در کشور آغاز شود. در نتیجه آغاز دوره اصلاحات، موضوع توسعه سیاسی مورد توجه ویژه دولت قرار گرفت و در نتیجه فضایی در کشور پدید آمد که شاهد اوج‌گیری فعالیت سیاسی باشیم؛ روندی که منجر به ثبت‌نام شش هزار و ۸۰۰ نفر برای کاندیداتوری شد. البته سیاست شورای نگهبان در ردصلاحیت‌ها تغییری نداشت و نزدیک به ۷۰۰ نفر هم در این دوره ردصلاحیت شدند، ولی به هر ترتیب این دوره بر خلاف دو دوره گذشته، با سکوت و عدم ارائه لیست از سوی جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب (یا همان جناح چپ سابق) همراه نبود و با چنین فضایی، کشور وارد فضای رقابتی هفته‌های پیش از انتخابات شد.

یکی دیگر از تفاوت‌هایی که این دوره در مقایسه با دوره‌های قبل در موضوع ارائه لیست دارد، این است که در این دوره لیست‌های متنوع و زیادی از سوی اصلاح‌طلبان منتشر شد. ماجرا از این قرار بود که ابتدا جبهه دوم خرداد مرکب از ۱۴ تشکل اصلاح‌طلب (مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، مجمع نیروهای خط امام، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان ایران و انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران) تلاش کرد با دیگر گروه‌های اصلاح‌طلب (مانند مجمع روحانیون مبارز، جبهه مشارکت اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، حزب اسلامی کار و خانه کارگر) لیست مشترک دهد اما این موضوع عملیاتی نبود. پس از آن تصمیم گرفته شد چهار لیست منتشر شود، به این ترتیب که: «۱- جبهه نیروهای خط امام و مدافعین دوم‌خرداد یک لیست بدهند. ۲- جبهه معتدل دوم خرداد (احزاب و گروه‌هایی مانند کارگزاران سازندگی، همبستگی، خانه کارگر، حزب اسلامی کار) لیست مجزا بدهند. ۳- مجمع روحانیون و مجمع اسلامی بانوان لیست مشترک منتشر کنند. ۴- جبهه مشارکت و دفتر تحکیم وحدت هم لیست مشترک بدهند.» اما در هفته‌های قبل از انتخابات، لیست‌ها متعدد شد ولی در نهایت لیست‌های اصلاح‌طلبان اکثریت مجلس را به‌دست آوردند. ۱۸۴ کرسی به جبهه دوم خرداد و جبهه مشارکت رسید و کارگزاران سازندگی که به دلیل اختلاف بر سر سرلیستی و گذاشتن نام اکبر هاشمی‌رفسنجانی در لیست اصلاح‌طلبان لیست متفاوتی را ارائه داد (با وجود اینکه چهره‌هایی مانند بهزاد نبوی خواستار قرار دادن نام هاشمی در این لیست بودند اما مشارکتی‌ها با این پیش‌شرط که لیست نباید هیچ چهره مشترکی با لیست جبهه رقیب و جریان راست داشته باشد، به دلیل وجود نام هاشمی به‌عنوان سرلیست جامعه روحانیت از گنجاندن نام او در لیست اجتناب کردند)، هم ۴۲ نماینده را به دوره ششم فرستاد.

مجلس هفتم

مهم‌ترین موضوع که روی انتخابات هفتمین دوره مجلس تأثیر گذاشت، چند برابر شدن ردصلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان بود. در این دوره تقریباً ۸ هزار و ۱۰۰ نفر به عنوان کاندیدا در انتخابات ثبت‌نام کردند ولی با اعلام تاییدصلاحیت‌ها، مشخص شد نزدیک به ۴هزار نفر از این افراد ردصلاحیت شده‌اند که در بین آنها، نام ۸۵ نماینده مجلس ششم هم وجود داشت. به‌گونه‌ای که برای مثال در تهران ۶۰ درصد از ثبت‌نام‌کننده‌ها ردصلاحیت شدند و در بین تاییدشده‌ها هم، نام کمتر اصلاح‌طلب شاخصی وجود داشت. ردصلاحیت‌های گسترده، عامل مهمی شد تا فضای انتخابات در اصلاح‌طلبان به سمت‌وسویی متفاوت‌تر از مجلس ششم برود. نمایندگان مجلس ششم در واکنش به این ردصلاحیت‌ها دست به تحصن زدند و در این بین ۴ چهره اصلاح‌طلب از جمله بهزاد نبوی، نایب‌رئیس مجلس نیز استعفا داد و مورد پذیرش قرار گرفت. البته بیش از ۱۰۰ نماینده اصلاح‌طلب مجلس در اعتراض به اقدام شورای نگهبان به واسطه مداخله در انتخابات مجلس هفتم به نفع جناح راست محافظه‌کار و محروم کردن اصلاح‌طلبان از نامزدی در آن انتخابات از مقام نمایندگی استعفا کرده بودند که ۴ استعفانامه قرائت و تأیید شد. این نمایندگان همچنین در نامه‌ای به شورای نگهبان خواستند تا دلیل ردصلاحیت آنها رسماً اعلام شود و خواهان تغییر رویکرد شورای نگهبان و بررسی مجدد صلاحیت‌ها شدند. به‌دنبال این موضوع، سیدمحمد خاتمی و مهدی کروبی وارد کار شده و درخواست بررسی مجدد صلاحیت‌ها را از شورای نگهبان مطرح کردند و این موضوع هم انجام شد اما تنها ۲۵ درصد افرادی که ردصلاحیت شده بودند، توانستند تاییدصلاحیت گرفته و وارد فضای انتخابات شوند. در نهایت سازمان مجاهدین انقلاب، جبهه مشارکت، حزب همبستگی و دفتر تحکیم وحدت اعلام کردند در این دوره نه لیستی ارائه خواهند کرد، نه از کاندیدایی حمایت می‌کنند و نه دعوت به حضور در انتخابات خواهند کرد. مجمع روحانیون مبارز هم سیاست خود را در انتخابات مجلس پنجم تکرار کرد و بدون اینکه لیستی ارائه کند، از مردم دعوت کرد تا در انتخابات حاضر شده و به اصلاح‌طلبان باقی‌مانده رای دهند. البته به‌رغم اینکه ردصلاحیت‌ها گسترده بود و بخشی از احزاب اصلاح‌طلب برنامه انتخاباتی نداشتند، ائتلافی با نام «ائتلاف برای ایران» با ریاست سیدعلی اکبر محتشمی‌پور متشکل از برخی اعضای احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب «مجمع روحانیون، حزب کارگزاران سازندگی، حزب همبستگی، حزب اسلامی کار، خانه کارگر، مجمع اسلامی بانوان و مجمع نیروهای خط امام» تشکیل شد و توانست در کشور جمعاً ۴۷ کرسی را به‌دست آورد.

مجلس یازدهم

پس از اینکه اکثریت نسبی مجلس دهم در اختیار اصلاح‌طلبان قرار گرفت، اتفاق مجلس هفتم باز هم تکرار شد و شاهد ردصلاحیت‌های گسترده از سوی شورای نگهبان بودیم؛ به‌گونه‌ای که برای مثال از بین نماینده‌های مجلس دهم، ۹۰ نفر ردصلاحیت شدند که بیشتر آنها افرادی بودند که در پی حمایت اصلاح‌طلبان و از طریق لیست امید به مجلس رسیده بودند. براساس تصمیم‌گیری درباره حضور و یا عدم

شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۲
سال دوم • شماره ۴۵۴
www.hamhianonline.ir

(فائزه هاشمی) و ۱۷ نفر در دور دوم به مجلس رسیدند و در کشور هم توانست ۸۰ کرسی به‌دست آورد. مجمع نیروهای خط امام ابتدا اعلام کرد لیست نخواهد داد اما پس از آن تصمیم گرفت تا ائتلافی با نام «ائتلاف خط امام» با حضور «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی معلمان و انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها» منتشر کنند که از این لیست در تهران ۴ نفر و ۵۸نفر در سطح کشور به مجلس رسیدند. خانه کارگر هم این بار توانست لیست ۳۰نفره در تهران ارائه داده که از این تعداد، ۱۰ نفر در تهران به مجلس رسیدند.

مجلس هشتم

آغاز ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و تسلط اصول‌گرایان بر اوضاع کشور، موضوع مهم و تأثیرگذار روی روند انتخابات و تصمیم اصلاح‌طلبان برای این دوره بود. درحالی‌که ردصلاحیت‌ها موج کمتری در مقایسه با مجلس هفتم گرفته بود، از حدود ۷ هزار و ۶۰۰ نفر ثبت‌نام‌کننده در انتخابات، تقریباً دو هزار و ۱۰۰ نفر توسط شورای نگهبان ردصلاحیت شدند اما به‌رغم این موضوع، تصمیم جمعی بر این اساس بود که در این دوره سیاست انتخاباتی که درباره مجلس هفتم در پیش گرفته شده بود، تکرار نشود. در نتیجه فعالیت برای بستن و معرفی لیست آغاز شد.

در این دوره، دو ائتلاف پیرامون اصلاح‌طلبان و احزاب و گروه‌های آنها تشکیل شد. ائتلاف اصلی «ائتلاف اصلاح‌طلبان» نام داشت که ریاست آن بر عهده مرتضی حاجی (رئیس ستاد سیدمحمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶) بود و ۲۹ حزب و گروه اصلاح‌طلب (مانند جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، مجمع روحانیون مبارز، کارگزاران سازندگی و خانه کارگر) را در خود جای داده بود. لیست ائتلافی دیگری که از سوی اصلاح‌طلبان ارائه شد، «ائتلاف مردمی اصلاحات» نام داشت که ریاست آن بر عهده مصطفی کواکبیان بود و احزاب و گروه‌های کمترشناخته‌شده‌ای مانند «حزب مردم‌سالاری، جبهه تحکیم دموکراسی، جبهه متحد فرهنگیان، جمعیت مستقل ایران اسلامی و کانون همبستگی فرهنگیان ایران» در آن قرار داشتند. البته در کنار این دو ائتلاف، یک لیست دیگر هم وجود داشت. حزب اعتماد ملی‌ سا دبیرکلی مهدی کروبیی در این دوره از انتخابات تصمیم گرفت وارد ائتلاف نشود و به تنهایی ارائه لیست کند. در نتیجه انتخابات در روز ۲۴ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد و به‌رغم شکست کامل در شهر تهران، در مجموع از سه لیست اصلاح‌طلب ۵۸ نفر به مجلس راه یافتند.

مجلس نهم

مهم‌ترین و تأثیرگذارترین موضوع روی جریان انتخابات نهمین دوره مجلس، وقایع پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم در سال ۱۳۸۸ بود؛ موضوعی که باعث شد فضای ملتهبی در جامعه ایجاد شود، دو تشکل تأثیرگذار و مهم اصلاح‌طلبان یعنی جبهه مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران با حکم قضایی منحل شده و در چنین فضایی کشور آماده برگزاری انتخابات مجلس نهم در زمستان سال ۱۳۸۹ شد. در کنار این موضوع، ردصلاحیت‌ها هم ادامه پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که از بین معدود اصلاح‌طلب‌هایی که در مجلس هشتم حضور داشتند، ۸ نفر ردصلاحیت شدند. با این پیش‌زمینه، در این دوره از انتخابات، اتفاق دوره هشتم تکرار نشد که ائتلافی مهم پیرامون احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب تشکیل شود. حزب اعتماد ملی، مجمع روحانیون مبارز و حزب کارگزاران سازندگی سکوت انتخاباتی را در دستور کار قرار دادند، به این ترتیب که نه لیستی از سوی آنها مورد حمایت قرار گرفت و نه حرفی از تحریم توسط آنها زده شد. هر چند در این بین برخی از اعضای حزب اعتماد ملی مانند محمدرضا خباز به‌صورت مستقل در انتخابات ثبت‌نام کردند. البته به‌رغم این موضوع، باز هم ائتلاف‌هایی از سوی احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب تشکیل شد. خانه کارگر و حزب مردم‌سالاری با شعار «نباید آرمان‌های انقلاب را فراموش کرد» لیست مشترک دادند و دو لیست دیگر با نام‌های «جبهه مردمی اصلاحات» و «جبهه اصلاح‌طلبان معتدل» هم منتشر شد که البته لیست‌هایی نبود که مورد حمایت احزاب یا گروه‌های شاخص باشد. به هر ترتیب در این دوره از مجلس از مجموع لیست‌های اصلاح‌طلب، ۲۰ نفر توانستند راهی پارلمان شوند.

مجلس دهم

پس از فضای سرد در انتخابات مجلس نهم، یک عامل باعث شد تا انتخابات مجلس دهم فضایی متفاوت‌تر از دوره‌های هفتم تا نهم داشته باشد. دولت پس از ۸سال با حمایت سیدمحمد خاتمی و اکبر هاشمی‌رفسنجانی به دست حسن روحانی گزینه مورد حمایت اصلاح‌طلبان افتاده بود و در نتیجه فضا به سمتی پیش رفت که پس از دولت، در اختیار گرفتن اکثریت مجلس در دستور کار اصلاح‌طلبان قرار گرفت. در این دوره بیش از ۱۲ هزار نفر به‌عنوان کاندیدا در انتخابات ثبت‌نام می‌کنند اما صلاحیت حدود ۴هزار نفر تأیید می‌شود و به‌رغم این موضوع، فعالیت گسترده در انتخابات در دستور کار اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرد.

در دستور قرار گرفتن فعالیت در انتخابات به‌رغم ردصلاحیت‌ها با محوریت اکبر هاشمی‌رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی منجر به تشکیل بزرگترین ائتلاف اصلاح‌طلبی در تاریخ ادوار انتخابات‌های مجلس تحت عنوان «لیست امید» شد. این ائتلاف بیش از ۳۰ گروه و حزب اصلاح‌طلب و میانه‌رو (مانند مجمع روحانیون مبارز، کارگزاران سازندگی، اتحاد ملت، اعتماد ملی، خانه کارگر، اعتدال و توسعه، مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم) را در خود جای داده بود و در نهایت توانست ۱۲۳ کرسی مجلس را به‌دست آورده و اکثریت نسبی را در اختیار بگیرد.

به‌رغم وجود ائتلافی گسترده، حزب کارگزاران سازندگی به تنهایی یک هفته قبل از انتخابات لیست خود را با نام «پاران هاشمی» در تهران منتشر کرد که در آن برخی چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبی مانند «مجید انصاری، علیرضا محجوب، سهیلا جلودارزاده، مصطفی کواکبیان، پروانه مافی» حضور داشتند ولی موفقیتی را در تهران به دست نیاورد و در مجموع، اصلاح‌طلبان و میانه‌روها ۳۸ کرسی مجلس را در اختیار گرفتند.

ادامه از صفحه ۴

▼ می‌خواهیم جلوی رویه‌های غلط را بگیریم

در ادامه این نشست او در پاسخ به‌سوالات حضار، اینکه درباره حوزه‌های انتخابیه دیگر و مجلس خبرگان چه برنامه‌ای دارد یا چرا برخی افراد در لیست نیستند و البته نظرش درباره فیلترینگ و قرار حمایت اصلاح‌طلبان از جمله حزب اعتماد ملی، ندای ایرانیان و کارگزاران سخن گفت و پس از آن در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار هم‌میهن در پاسخ به اینکه «نقش احتمالی اقلیتی با حضور چهره‌هایی که در لیست صدای ملت است، چگونه خواهد بود و آیا واقعاً اقلیت قدرتمند مثلاً مشابه آنچه در مجلس پنجم که توسط کارگزاران و جناح چپ آن زمان رقم خورد، در مجلس دوازدهم با این افراد شکل می‌گیرد؟ و قرار است چه تأثیری بر فضای مجلس بگذارند؟» توضیح داد: «همیشه اقلیت‌ها در مجالس مؤثرند، جلوی برخی طرح‌ها را می‌گیرند، اجازه برخی اقدامات افراطی را نمی‌دهند و رفتاری می‌کنند که مانع انجام کارهای اشتباه است. چون در اقلیت هستند ممکن است نتوانند طرح‌های اصلاحی خود را به‌نتیجه برسانند اما به دلیل حضور و اقلیت بودن شان می‌توانند مانع تصویب شدن برخی طرح‌های افراطی و غلط شوند. البته ما نباید انتظار داشته باشیم که با یک اقلیت ۵۰ نفری همه مشکلات حل شود. اما به مرور می‌توان زمینه ایجاد شود که برخی رویه‌های غلط از بین برود.»

▼ مردم امیدوارتر از سال ۹۸ هستند

او درباره تقلوت این دوره با دوره قبل و ناامیدی مردم در سال ۹۸ نسبت به سال گذشته گفت: «سال ۹۸ تازه چندماه از حوادث آن ۹۸ می‌گذشت و حادثه هواپیمای اوکراینی هم رخ داده بود و فضای بدی در کشور حاکم بود و ردصلاحیت‌ها هم زیاد بود و مشارکت پایین رقم خورد اما الان فضا خیلی بهتر است و حتماً مشارکت بالاتر از آن موقع است و ما کمی از فضا دور شده‌ایم.» او در پاسخ به تأثیر حوادث سال گذشته بر انتخابات این دوره مجلس تأکید کرد: «این هم بوده است اما آثار آن بسیار کمتر است از آنچه در انتخابات ۹۸ موجب ناامیدی و دل‌زدگی مردم شده بود.» مطهری در پایان این گفت‌وگو مهم‌ترین برنامه لیست «صدای ملت» را «رفع تحریم‌ها» عنوان کرد و گفت: «رفع تحریم‌ها از هر طریقی که باشد باید انجام شود و تا وقتی که چنین اتفاقی رخ ندهد، وضع معیشت مردم درست نمی‌شود.»

▼ نقطه مقابل اصلاح امور، براندازی است

مطهری البته در ابتدای جلسه و پیش از قرائت اسامی اعضای لیست «صدای ملت» سخنرانی کوتاهی انجام داد و در آن تصریح کرد: «در شرایط امروز و اینکه در انتخابات جاری احساس شد گروه‌ها و افرادی هستند که مایل به شرکت و حتی لیست دادن نیستند احساس کردیم تقویت این نگرش به نفع کشور نیست و در هر شرایطی و به‌ویژه شرایط امروز نیاز داریم زمینه اصلاح امور را فراهم کنیم. اصلاح امور جز از طریق انتخابات و آشتی مردم با صندوق رای امکان‌پذیر نیست. چون اگر نقطه مقابل را نگاه کنیم منجر به براندازی می‌شود اگر بگوییم در انتخابات شرکت نمی‌کنیم که نظام تضعیف شود این سیاست نادرستی است.»

▼ برای اصلاح طلب و اصولگرا اصالت قائل نیستیم

او در ادامه تصریح کرد: «علی‌رغم همه انتقاداتی که داریم و گله‌هایی که نسبت به دو انتخابات گذشته داریم به‌طوری‌که نمی‌توانیم ادعا کنیم انتخابات آزاد بود و به‌رغم انتقاداتی که به برخی رویه‌ها در همین روزها داریم اما همچنان معتقدیم باید برای اصلاح امور وارد نهادهای حاکمیت شد و روند را اصلاح کرد. در نقطه مقابل، اصولگرایان معتقد بودند که [جریان رقیب‌شان] هیچ فیرستی نمی‌دهند چرا که افراد مورد نظرشان به اندازه کافی در این انتخابات حضور ندارند. ما برای اینکه این فضا را بشکنیم و به نفع این گروه‌ها اقدام کنیم اقدام به تهیه لیست «صدای ملت» کردیم. البته بیابینه ۱۱۰ نفری نیز منتشر شد که در آن تأکید شد که باید از هر فرصتی استفاده کرد که هدف‌های اصلاحی خودمان را تحقق ببخشیم و این کار درستی بود.»

مطهری تأکید کرد: «ما تصمیم گرفتیم این فهرست را آماده کنیم که در ادامه برخی گروه‌ها و شخصیت‌های فعال سیاسی اعلام حمایت کردند؛ چه گروه‌های اصلاح‌طلب معتدل و مستقل و چه اصولگرا اعلام حمایت کردند. ملاک ما اعتدال، عقل‌گرایی، دوری از شعارزدگی و ایجاد تغییر در حد امکان است. فهرست ما نه اصولگرا و نه اصلاح‌طلب است و در واقع صدای مردم است و برای هیچ کدام از این گروه‌ها اصالتی قائل نیست. ما معتقدیم دسته‌بندی‌ها و دیواری که کشیده شده، بین مثلاً اصلاح‌طلب و اصولگرا، در واقع یک دیوار مصنوعی است و کمتر ناشی از اختلافات فکری و ایدئولوژیک است، بلکه بیشتر ناشی از روابطی است که افراد و شخصیت‌ها دارند و ناشی از مسئله کسب قدرت و منافع شخصی و اینها است. در واقع اختلاف اساسی وجود ندارد، البته یکی دو اختلاف در نگاه سیاسی وجود دارد ولی انطور نیست که اینها نتوانند باهم کار کنند و راه پیشرفت کشور همکاری همه‌اینهاست و باید این دست‌بندی‌ها را کنار بگذاریم.